

Religious Considerations on Drug Hoarding

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Ahmad Mortazi,¹
Leyla Daei²

ABSTRACT

The issue of drug hoarding, which is done with the goal of expensive selling or harm to society, is significant, due to the vital role and direct relationship of the drug to human health, but no independent research has been conducted on its dimensions and religious considerations. Therefore, the present research seeks to explain the relevant religious rule by analyzing the relevant verses and narrations and the feasibility of generalizing the religious arguments of hoarding, to warehousing and non-distribution of drug, and to review the current laws governing it. The research is practical in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method. In collecting data and information, the library and documentary method used and the analysis of information obtained from narrative, Qur'anic and jurisprudential and legal sources have been qualitative and based on the researchers' conclusions. Based on the findings of the research, Quranic and narrative sources show that the criterion in the religious prohibition of hoarding was the need of people for stored goods, and the general meaning of "food" mentioned in some narrations includes warehousing and non-distribution of required drugs. In addition, La Zazar [no loss] rule, as a general reason, is another document on the sanctity of drug hoarding, and because of its rule over Taslit (absolute legal power to private property) rule, the owner of the drug is obliged to supply and distribute it, and if he refuses, the head of the Islamic government will do so on his behalf. Also, according to the rules of criminal jurisprudence, the drug hoarder is deserved to be punished and the amount is determined by the head of the Islamic government.

How to cite this article

Ahmad Mortazi PhD
Journal of Quran and
medicine, 2019:4(4): 6-12

Keywords: Drug Hoarding, Hoarding, Surah Al-Toba Verse 34, Hoarder, Not distribution of drug.

¹ Department of jurisprudence and Islamic law, Faculty of Theology, Tabriz University, Tabriz, Iran

² Department of jurisprudence and Islamic law, Faculty of Theology, Tabriz University, Tabriz, Iran

* Correspondence:

Address: Faculty of Theology and Islamic Sciences, Tabriz University, Street 29bahman, Tabriz, Iran.

Phone: : 09364933942- 04133392239

Email: a.mortazi@tabrizu.ac.ir

Article History

Received: 2019/05/28

Accepted: 2019/12/04

ePublished: 2020/04/13

ملاحظات شرعی احتکار دارو

احمد مرتضی*

گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

لیلا داعی

گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

مسئله احتکار دارو نیز که با انگیزه گرانفروشی یا ضرر رساندن به جامعه صورت می‌گیرد، به دلیل نقش حیاتی و ارتباط مستقیم دارو بر سلامت افراد، قابل توجه است، اما تحقیق مستقلی در خصوص ابعاد و ملاحظات شرعی آن صورت نپذیرفته است. از این رو، پژوهش حاضر در صدد است تا با تحلیل آیات و روایات مرتبط و امکان‌سنجی تعمیم ادله شرعی احتکار، به انبارسازی و عدم توزیع دارو، حکم شرعی مترتب بر آن را تبیین نموده و قوانین جاری ناظر به آنرا مورد طرح و بررسی قرار دهد. پژوهش از نظر هدف، از نوع کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی بوده است. در گردآوری داده‌ها و اطلاعات، از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات کسب شده از منابع روایی، قرآنی و متون فقهی و حقوقی، به صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج محققان از آنها بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، منابع قرآنی و روایی نشان می‌دهد که ملاک در منع شرعی احتکار، نیازمندی افراد به مال انبارشده، بوده و معنای عام «طعام» که در برخی روایات آمده است، انبارسازی و عدم عرضه داروهای مورد نیاز را نیز در برمی‌گیرد. افزون بر این، قاعده لاضرر نیز به عنوان دلیل عام، مستند دیگری بر حرمت احتکار داروست و بدلیل حکومت آن بر قاعده تسلیط، مالک دارو موظف به عرضه و توزیع آنهاست و در صورت امتناع، رئیس حکومت اسلامی از جانب او اینکار را انجام می‌دهد. همچنین، طبق قواعد فقه جزایی، محتکر دارو، قابل مجازات تعزیری می‌باشد و میزان آن به تشخیص رئیس حکومت اسلامی است.

واژگان کلیدی: احتکار دارو، احتکار، آیه ۳۴ توبه، محتکر، عدم عرضه دارو.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۳

*نویسنده مسئول: a.mortazi@tabrizu.ac.ir

مقدمه

امروزه، افزون بر مسأله تحریم دارو که توسط بیگانگان صورت می‌گیرد، احتکار داروهای مورد نیاز توسط برخی از هموطنان، تهدید جدی برای سلامت نوع بشر قلمداد می‌گردد. اینکار ممکن است با انگیزه‌های مختلفی همچون اضرار به غیر یا گرانفروشی پس از کم‌یابی و همانند آن صورت بگیرد ولی در هر حال، ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به افراد نیازمند وارد خواهد ساخت. بر همین اساس، ارائه راهکارهای شرعی و قانونی مقابله با این مسأله از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد و نیازمند تحقیقات گسترده و دقیق در منابع اسلامی و به روزرسانی و کارآمدسازی قوانین و مقررات جاری مرتبط با آن است. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، در صدد بررسی امکان تعمیم ادله شرعی احتکار به نگهداری عمده داروهای مورد نیاز و امتناع از عرضه آن می‌باشد و برای رسیدن به این مطلوب، ابتدا به بررسی مفهوم‌شناختی واژگان کلیدی مربوط به مسأله احتکار دارو، پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی و ادبیات پژوهش

احتکار در لغت: احتکار مصدر باب افتعال از ریشه «حُکِر» بوده و در لغت به معنای «گرد آوردن و نگهداشتن»^(۱) و یا به مفهوم انبار کردن طعام به انتظار کمبود و گران‌شدن می‌باشد و صاحب آن را مُحتکر می‌نامند.^(۲) همچنین به معنای ظلم و ستم و سوء‌معاشرت و لجاجت نیز به کار می‌رود.^(۳و۴) بدین صورت که محتکر، با انبار کردن کالای ضروری به انتظار گران شدن و عدم ارائه آن از جانب شخص دیگر، به مردم ظلم کرده از این جهت دشواری و زیان در معیشت آنان وارد می‌سازد. بنابراین روشن است که لفظ احتکار بین معانی مختلف خود «مشتک لفظی» می‌باشد و با توجه به کلمات اهل لغت، مفاد کلمه احتکار به حسب اصل و وضع، نگهداری چیزی است که مردم به آن نیازمندند و آن را به انحصار خود درآوردن و مخفی نگاه داشتن و مردم را از دسترسی به آن دور نمودن است و مفاهیم لجاجت و ظلم و سوء‌معاشرت، از لوازم آن محسوب می‌گردد. از این رو، شاید اصل در مفهوم احتکار، ظلم و بدرفتاری باشد و سپس در حبس و نگهداری آنچه مردم بدان نیازمندند، به کار برده شده باشد. در هر صورت، احتکار به حسب مفهوم، شامل هر چیزی است که مردم بدان نیازمندند و نگاهداری آن موجب ظلم و کمبود می‌گردد و منحصر به طعام نبوده و اینکه گاه در کلمات اهل لغت احتکار طعام آمده از باب مثال است زیرا طعام، از بارزترین چیزهایی است که مردم بدان نیازمندند.^(۵) بنابراین از لحاظ مفهوم لغوی، کلمه احتکار، عام بوده و شامل هر چیز انبار شده‌ای می‌شود که به حسب موارد، مفعول آن فرق می‌کند به گونه‌ای که شامل هر نوع خرید و فروشی که پاره‌ای از سرمایه‌داران انجام می‌دهند و بازار را از کالا خالی می‌کنند و یا به سود خود بازار سیاه درست می‌کنند و رقیبان خود را شکست می‌دهند، می‌شود.^(۶) بر این پایه، مورد احتکار می‌تواند دارو و تجهیزات پزشکی و سایر اقلام ضروری و مورد نیاز مردم یک جامعه باشد که انبار کننده آن با حبس و نگهداری کالا و مواد اولیه آن به قصد گران شدن و عدم ارائه آن از جانب اشخاص دیگر، به مردم ظلم کرده و سختی و مضیقه در معیشت آنان به وجود می‌آورد.

احتکار در اصطلاح: فقها در تعریف احتکار دیدگاه‌های متفاوتی دارند که این اختلاف بیشتر ناشی از قیودی است که مکاتب گوناگون فقهی بر اساس استنباط خود در مقام بیان حکم احتکار، بر آن افزوده‌اند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که در اصطلاح فقها، احتکار عبارت است از ذخیره کردن و حبس طعام، به انتظار گرانی قیمت آن و نبودن عرضه کننده به حد کافی.^(۷-۱۱) از نظر برخی حقوق‌دانان اسلامی نیز احتکار، عبارت است از انباشتن پاره‌ای از کالاهای مورد نیاز غالب مردمان، به منظور بهره گرفتن از نوسان نرخ‌ها در بازاری که نرخ عادلانه بر آن حکم روا نباشد. تعریف فوق، تکیه بر مصادیق کالاهای مورد احتکار کرده بدون اینکه از ماهیت احتکار سخنی به میان آورد لذا از حیث اینکه حدّ و حصری برای کالاهای مذکور قائل نیست، حائز اهمیت می‌باشد.^(۱۲) برابر ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور با آخرین اصلاحات سال ۱۳۹۲، احتکار عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیص مراجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه، پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت یا سایر مراجع قانونی ذی‌ربط. با توجه به تعریف فوق نیز، حبس و نگهداری مطلق کالاهای ضروری و مورد نیاز انسان، اعم از

خوراک، پوشاک، مسکن، اقلام دارویی و غیره، بنا به تشخیص مراجع قانونی و به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه، مصداق احتکار به شمار می‌آیند.

مواد و روش

مقاله حاضر از نظر هدف، از نوع کاربردی بوده و از نظر روش بررسی، به شکل توصیفی-تحلیلی است. در ابتدا نگارنده به شیوه کتابخانه‌ای به گردآوری مطالب و نوشته‌هایی که در این زمینه توسط نویسندگان فقهی و حقوقی نگاشته شده، اقدام نموده است. پس از آن، مطالب فیش‌برداری و جمع‌آوری شده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظرات، بیان گردیده است. در توصیف علمی و تحلیل محتوا، بر اساس قواعد منطقی به موضوع پژوهش پرداخته شده تا در نتیجه، به بهترین نظرها رسیده و ابهامات موجود و جایگاه واقعی موضوع را شناخته و ارائه نماییم. برای پاسخ به سؤالات تحقیق و در نهایت، رسیدن به فرضیه‌های موجود، تعریفی از احتکار و عناصر تشکیل‌دهنده آن ارائه گردیده و دیدگاه نظریه‌پردازان فقهی در خصوص امکان یا عدم امکان تعمیم عنوان احتکار به غیر از خوراکی‌ها، طرح و در پایان، مطالب و رئوس مرتبط با هم دسته‌بندی شده و نظریات مختلف به چالش کشیده شده‌اند.

یافته‌ها

مصادیق مسلم فقهی احتکار

طبق نظر مشهور فقیهان، احتکار به اجناس معدودی اختصاص دارد چرا که مطابق روایت سکونی، پیامبر(ص) فرموده‌اند که احتکار به شش چیز اختصاص دارد: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن حیوانی و روغن زیتون.^(۱۷-۱۳) البته، برخی از فقها موضوع احتکار را از موارد یاد شده در حدیث، کمی گسترش داده و نمک و برنج و ذرت را نیز به آن اضافه کرده‌اند.^(۱۹،۱۸) در این میان، فقهایی هم هستند که موضوع احتکار را به گونه‌ای تعمیم داده‌اند که آن را شامل همه موارد مورد نیاز جامعه دانسته‌اند، بر اساس این نظریه، احتکار صرفاً به مواد خوراکی اختصاص نداشته، بلکه هر آنچه در زندگی بشر لازم است از قبیل دارو، لباس، مصالح ساختمانی و غیره را شامل می‌گردد.^(۱۴،۲۰)

از جمله روایاتی که دامنه شمول احتکار را تعمیم و آن را تنها مختص طعام نمی‌داند، یکی روایت سماعه از امام صادق (ع) است، سماعه می‌گوید خدمت امام صادق (ع) عرض کردم مردمی هستند که از مصرف شخصی خود زیاده‌تر دارند، در حالی که برادران مسلمان آنها به شدت نیازمند می‌باشند و زکات هم به حد کفایت آنها نیست آیا این افراد متمکن می‌توانند سیر باشند در حالی که برادرانشان گرسنه هستند؟ حضرت فرمود «مسلمان برادر مسلمان است و ظلم نسبت به او حرام است و باری نکردن او در موقع گرفتاری حرام است.» از روایت فوق استفاده می‌شود که هرگاه در جامعه‌ای افرادی اقدام به احتکار کالایی نظیر دارو که حفظ حیات و سلامتی، در گرو آن است، نمایند و باعث کمبود و گرانی آن شده و از این جهت بر مردم ظلم کنند، مرتکب عمل حرام شده‌اند. دیگری، روایت مفصل بن عمرو از امام صادق (ع) است که فرمودند «هرکس خانه‌ای اضافی داشته باشد و برادر مؤمنی به نشستن در آن خانه نیازمند باشد و او منع کند و ندهد، خدای عزوجل به ملائکه می‌فرماید ای ملائکه من! بنده من نسبت به بنده دیگر من، بخل ورزید و خانه خود را برای سکنای او نداد،

به عزت و جلال خودم قسم که هیچ‌گاه او را وارد بهشت خود نخواهم کرد.»^(۱۲) بنابراین افرادی که با حوائج و نیازهای مردم برخورد نامطلوب می‌کنند به خصوص در شرایط حساس، ارزاق مورد نیاز مردم و دارو و وسایل مورد نیاز جامعه را حبس و احتکار می‌کنند یا در پی آشفته‌سازی بازارند تا سود بیشتری ببرند، از مصادیق بارز این روایات هستند که وعده عذاب الهی و دور ماندن از رحمت او، برای آنها ذکر شده است.^(۲۱)

امروزه احتکار در مفهوم اعم آن، تنها شامل مواد غذایی نبوده، بلکه هر نوع محصول کشاورزی و معدنی و صنعتی را در بر می‌گیرد و به هر صورت عوارض آن برای جامعه مصیبت بار خواهد بود به عنوان مثال، اگر به کارخانه داروسازی به موقع مواد خام نرسد، آن کارخانه نهایتاً به تعطیلی کشانده می‌شود، کارگران بیکار می‌گردند و تولید، قوس نزولی طی می‌کند و در نتیجه زندگی خانواده‌های کارگران و کل جامعه را مختل خواهد کرد حتی به تعبیری، حقایق و دست یافته‌های نوین علمی، که تأثیرات عظیم بر تحول و تنویر افکار عمومی دارد چنانچه از دسترس و شناخت مردم پنهان نگه داشته شود، خود می‌تواند نوعی احتکار علمی تلقی شود.^(۲۲)

عناصر احتکار و امکان تحقق آن در دارو

با دقت در روایات و با توجه به توضیحات فوق، روشن می‌گردد که برای تحقق موضوع احتکار، وجود چند عنصر به عنوان رکن، لازم است و این عناصر عبارت‌اند از: ۱- حبس و انبار کردن کالا؛ ۲- احتیاج داشتن مردم مسلمان به آن؛ ۳- نبودن شخص دیگری که آن کالا را به اندازه کافی در اختیار مردم بگذارد؛ ۴- انجام دادن این کار به نیت بالا رفتن قیمت کالا.^(۲۳) دقت در عناصر مذکور نشان می‌دهد که انبارسازی داروهای مورد نیاز مردم و امتناع از عرضه آنها نیز، می‌تواند موضوع حکم احتکار، قرار بگیرد.

حکم فقهی احتکار دارو

با توجه به اینکه احکام شرعی بر پایه مصالح و مفاسد واقعی استوار است بدین جهت مشهور فقهای امامیه در مواردی که اجناس مورد احتکار، به اندازه کفایت وجود نداشته و موجب اضرار و اختلال در نظام جامعه گردد، به حرمت احتکار رأی داده‌اند و در این راستا به ادله فقهی کتاب، سنت، اجماع و عقل، استناد نموده‌اند.

خداوند در آیه ۳۴ سوره توبه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیاری از علماء و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند و آنان را از راه خدا باز می‌دارند و آنها را که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره و نهان می‌سازند و در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناک بشارت بده.» طبق نظر مفسران، آیه فوق فقط درباره اهل کتاب نازل نشده بلکه عموم احتکارکنندگان را به عذاب شدیدی تهدید می‌کند و در جمله «لاینفقونها فی سبیل الله» کنز و احتکار را توضیح می‌دهد و می‌فهماند آن احتکاری مبعوض خداست که مستلزم خودداری از اتفاق در راه او باشد و منظور از اتفاق در راه خدا، عبارت‌است از آن اتفاقی که قوام دین بر آن است، به طوری که اگر در آن مورد اتفاق نشود بر اساس دین، لطمه وارد می‌آید، مانند اتفاق در جهاد و در جمیع مصالح دینی که حفظش واجب است و همچنین آن شؤون اجتماعی مسلمین که با زمین ماندنش شیرازه اجتماع از هم گسیخته می‌گردد و نیز حقوق مالی واجبی که دین آن را به منظور تحکیم

فشار و سختی واجب نبوده و به جهت رعایت حال جامعه و افراد آن، احتکار چنین دارویی جایز نمی‌باشد و مالک آن ملزم به عرضه در بازار می‌باشد.

بحث

امکان تحقق ملاک فقهی احتکار، در داروهای مورد نیاز

گرچه با توجه به ظاهر کلمات فقهی امامیه که احتکار حرام را، در قوت و آذوقه انسان یا اجناس ویژه‌ای که در روایات آمده، منحصر دانسته‌اند و روایات نیز، همین مضمون را اقتضا داشتند اما می‌توان گفت حرمت احتکار، یک امر تعبدی بدون ملاک که از سوی شارع، ملاک آن برای ما بیان نشده یا با ملاک غیبی که نوع انسانها از آن سر در نیاورند نیست، بلکه ملاک آن، چنانچه از روایات باب هم استفاده می‌گردد همان نیاز مردم به کالایی و قرار گرفتن آنان در تنگنا و زیان، به خاطر فقدان آن است. به عنوان مثال در صحیح‌ه حلبی چنین آمده که، «اگر طعام به گونه‌ای است که همه مردم می‌توانند بدان دسترسی داشته باشند اشکالی در نگهداری آن نیست، ولی اگر مقدار آن کم است و کفاف نیازمندیهای مردم را نمی‌دهد ناپسند است که طعام احتکار شود و مردم بدون طعام بمانند». از این صحیح‌ه علت و ملاک حکم مشخص می‌گردد و روشن می‌شود که نظر شارع حکیم در تشریح این حکم، این است که مردم در آسایش باشند و بدون غذا، که حیاتشان به آن توقف دارد، نمانند. از طرفی امکان دارد در شرایط و زمان و شهر خاصی نیاز مردم به برخی از کالاهای غیر خوراکی به مراتب زیاده‌تر از مواد خوراکی نظیر روغن زیتون و کشمش باشد چنانچه اگر در منطقه‌ای مرضی شیوع پیدا کند و مردم به داروی به خصوصی نیاز شدید پیدا کنند به گونه‌ای که حفظ حیات و سلامت آنان به آن دارو وابسته باشد و در این شرایط بعضی از داروخانه‌ها آن دارو را احتکار کنند، آیا می‌توان گفت عمل آنان احتکار نیست و جایز است؟ از طرفی امیر المؤمنین (ع) در نامه خود به مالک اشتر، ملاک کلی منع از احتکار را مشخص فرموده است، آنجا که درباره تجار می‌فرماید «با آن همه سفارش که درباره تجار کردم، ای مالک بدان که در بسیاری از آنان طبعی سخت‌گیر و رذیله بخل و احتکار و انحصار منافع و اجحاف در معامله وجود دارد که موجب زیان رساندن به مردم و ننگ برای زمامداران است، پس از احتکار جلوگیری نما». در اینجا امام (ع) با اینکه در مقام بیان مسأله احتکار بوده ولی نه ذکری از اجناس ویژه به میان آورده و نه اشاره‌ای به قوت و غیر قوت دارد، بنابراین احکام شریعت اسلام، گزاف و بدون ملاک نیست، بلکه بر پایه مصالح و مفاسد تشریح شده است، و نیز شریعت اسلام برای زمان خاص یا مکان خاصی نیست، بلکه برای همه مردم در همه کشورها تا روز قیامت تشریح شده است و اطلاعات روایات بسیار زیادی که از مطلق احتکار نهی می‌کند همه را شامل می‌شود و همین مناسبت حکم و موضوع، و ملاحظه ملاک نیز اقتضای اخذ به اطلاق دارد از طرفی در خود اخبار حصرکننده نیز اختلاف است، مثلاً احتکار روغن زیتون در روایتی که از پیامبر اکرم (ص) روایت شده آمده، ولی در روایتی که از امیر المؤمنین (ع) نقل شده نیامده است و یا نمک در کلام شیخ و فقهی پس از آن آمده ولی در کلام فقهی متقدم و یا روایات نیامده است، که از همه اینها چنین به دست می‌آید که احتکار حرام، در اجناس به خصوصی منحصر نبوده و تشخیص موارد احتکار در هر زمان از شئون رئیس

اساس اجتماع تشریح کرده است.^(۲۴) قطب راوندی نیز معتقد است که آیه شریفه «یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضر و جئنا ببضاعة مؤجبة» سوره یوسف آیه ۸۸، دلالت بر «نهی از احتکار» می‌نماید.^(۲۵) به این ترتیب که ضرر و ناراحتی از ناحیه احتکار گندم به وجود آمده است و بنابراین، احتکار حرام می‌باشد. اما این استدلال، جای تأمل دارد زیرا ضرری که در آیه فوق به آن اشاره شده، وسیع‌تر از نیاز به غذا یا قیمت آن می‌باشد و در این صورت، این موضوع دلالتی بر مطلب نمی‌کند.^(۲۶)

از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمودند: «الجالب مرزوق و المحتکر ملعون». پیشه ور و کاسب روزی داده می‌شود و محتکر مورد لعن است. همچنین ایشان در جایی دیگر فرمودند: «لا یحتکر الطعام إلا خاطيء». طعام را احتکار نمی‌کند مگر فرد خطاکار.^(۲۷) کلام امیر المؤمنین (ع) در عهدنامه مالک آنجا که فرمودند «این سودجویی و گران‌فروشی به زیان همگان بوده و بر والیان عیب است از این رو باید از احتکار منع نمود»^(۲۸) همگی ظهور در حرمت احتکار داشته و انبار کردن هر چیز ضروری و مورد نیاز مردم را شامل می‌شوند. از جمله، دارو که در شرایطی حفظ جان انسان در گرو آن بوده و با کمبود و گران شدن آن، سلامتی افراد جامعه به خطر افتاده و متضرر می‌شوند.

هرچند در مسأله حکم احتکار، قول واحد و اتفاق نظر وجود ندارد ولی در عین حال مشهور فقها قائل به حرمت احتکار شده و مستند قول ایشان، یکی صحیح‌ه سالم حنات است آنجا که پیامبر (ص) فرمودند: «پاک آن تحتکر» برحذر باش از اینکه احتکار کنی، ظهور در تحذیر و منع شدید از احتکار دارد، دیگری صحیح‌ه حلبی از امام صادق (ع) می‌باشد درباره مردی که طعام را احتکار می‌کند و منتظر موقعیت است تا آن را بفروشد، حضرت فرمود «اگر طعام فراوان باشد و مردم در وسعت باشند، اشکالی ندارد؛ اما اگر طعام اندک باشد و مردم در تنگنا باشند، سزاوار نیست که طعام احتکار شود و مردم نیازمند نتوانند به طعام دسترسی پیدا کنند»^(۲۹-۳۰) گروهی دیگر از فقها نیز با تکیه بر قاعده فقهی تسلیط که مردم بر اموال و دارایی‌های خود مسلط می‌باشند، نظر به کراهت احتکار داده‌اند.^(۳۱-۳۲) چون به موجب این قاعده، اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است، مگر آن که به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد.^(۳۳)

حکم به حرمت احتکار نیز با تحلیل عقلی، قابل استنباط است بدین صورت که اگر از نظر عقل، از آن جهت که عقل است، عملی زشت و ناپسند باشد با اضافه کردن این کبری که «هرآنچه عقل به آن حکم می‌کند شرع نیز به آن حکم خواهد کرد» این نتیجه به دست می‌آید که در آن مورد نیز، شارع حکم به حرمت می‌کند، باتوجه به اینکه، احتکار داروهای مورد نیاز بیماران و دیگر مواد همانند آن، موجب زیان مردم و اختلال نظام مسلمین می‌گردد و عملی که موجب زیان مردم و اختلال نظام آنان شود از نظر عقل زشت است و در نتیجه احتکار از نظر شرع مقدس حرام و ممنوع است.^(۳۴) مطابق قاعده نفی عسر و حرج نیز اگر سختی و حرج ناشی از یک حکم مثل حکم به مالکیت مطلق صاحب کالا، موجب اختلال نظام زندگی فرد و جامعه گردد، چنین حکمی از انسان برداشته می‌شود.^(۳۵) و از این رو، اگر فرض شود با حبس و نگهداری دارویی خاص، به دلیل کمبود و گرانی آن، فشار بر قشر جامعه وارد شده و به گونه‌ای به سختی و مشقت می‌افتد که عادتاً قابل تحمل نمی‌باشد، قاعده نفی عسر و حرج می‌گوید تحمل چنین

حکومت اسلامی است و تعیین آن در اخبار حصرکننده از همین قبیل است، پس نمی‌توان آن را به همه اعصاب تعمیم داد.^(۲۱) از دیدگاه صاحب جواهر، نگهداری و انبار کردن هر چیز مورد نیاز ضروری مردم، اعم از اینکه خوردنی باشد یا نوشیدنی یا پوشیدنی و یا غیر موارد مذکور، در حکم احتکار بوده و حرام می‌باشد بدون آنکه مقید به زمان خاص و یا اجناس ویژه‌ای باشد، شاید اگر کسی جنسی را که به صورت فراوان موجود بوده و مردم کوچکترین نیازی به آن ندارند را احتکار نماید به گونه‌ای که در اثر گران شدن، مردم محتاج به آن گردند حرام باشد بلکه گاهی چنین گفته می‌شود که حتی چنین کاری صرفاً به قصد گران شدن و میل به آن نیز حرام می‌باشد اگرچه شخص قصد اضرار هم نداشته باشد از این رو احتمال دارد برخی از موارد فوق در ردیف احتکار حرام جای گیرند از طرفی اگر در ایام کمبود و قحطی، مردم به طعام جدیدی عادت کنند بنابر علت ذکر شده در روایات، حکم احتکار در مورد این طعام هم جاری می‌شود و در روایات تعبیراتی آمده که به روشنی اعلام می‌دارد که ملاک در حرمت احتکار همان نیاز و احتیاج مردم است و همین مؤید این نظریه است که کالاهای ذکر شده در روایات به عنوان مثال و نمونه است نه انحصار.^(۱۴) باتوجه به اینکه کالاهای ذکر شده در روایات بیشتر جنبه ضروری برای انسان داشته و از باب نمونه و مثال به کار رفته و خصوصیتی ندارند از این رو احتکار هر نوع کالایی که مورد نیاز ضروری انسان بوده و حفظ حیات انسان به آن بستگی دارد را شامل می‌شود مثل دارو که بسیاری از سودجویان و منفعت‌طلبان با حبس و انبار کردن مواد اولیه و عدم ارائه آن، باعث می‌شوند مردم در مضیقه و سختی قرار گرفته و اقدام به تهیه آن با قیمتی گزاف از بازار سیاه شوند و به تبع آن جامعه نیز با بحران کمبود و گرانی مواجه شود.

به نظر می‌آید که صاحب جواهر و محقق حائری به عنوان اضطرار، احتکار را در این موارد حرام دانسته‌اند بر این اساس حرمت احتکار در این موارد حکمی ثانوی خواهد بود اما در حقیقت حرمت احتکار حکمی اولی است چرا که ملاک حرمت و عدم حرمت آسایش و تنگنای مردم است، یعنی اگر مردم در آسایش باشند حبس اجناس جایز و در غیر اینصورت حرام است از طرفی سختی و تنگنایی که از احتکار داروی بیماران و مجروحان پدید می‌آید کمتر از فشاری نیست که از احتکار نمک و روغن ایجاد می‌شود.^(۲۹)

از نظر آیت الله خوبی این مسأله با توجه به مکان، زمان و آداب و رسوم متفاوت است و هر آنچه طعام بر آن صدق کند در صورت عدم وجود آن در بازار، احتکار آن حرام می‌باشد در غیر این صورت دلیلی بر حرمت وجود ندارد، بنابراین اگر شخصی به دارویی نیاز داشته باشد که دیگری با انبار کردن و منع از فروش آن منجر به مرگ وی گردد در این صورت احتکار داروی فوق حرام بوده و حرمت آن به دلیل عنوان ثانویه آن می‌باشد شکی نیست که احتکار اگر به قصد اضرار به مسلمانان و یا موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی آنان شود حرام است البته نه به عنوان احتکار بلکه به عنوان ثانوی که همان حرمت اضرار به مسلمانان یا حرمت ایجاد اختلال در نظام زندگی آنان است. [7]

واکنش‌های حقوقی و کیفری به محتکر دارو

در صورت تحقق دو شرط احتکار، یعنی احتیاج مردم و نبود عرضه کننده دیگری، در این صورت بر دولت و حکومت اسلامی

واجب است به عنوان حفظ شئون ملت، شخص محتکر را مجبور کند کالای مورد نیاز مردم را در معرض فروش قرار دهد.^(۶) بنابراین، اولین اقدام دولت نسبت به محتکرین دارو این است که آنان را وادار می‌کند تا در اسرع وقت، داروهای احتکار شده را در معرض فروش قرار دهند که این مسأله در بین فقهای امامیه اجتماعی می‌باشد. مستند این فتوی، این است که احتکار موجب ضرر و زیان عامه مردم است و دولت به منظور رفع ضرر از مردم، مبادرت به چنین اقدامی می‌نماید.^(۲۳) در این زمینه از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که به گروهی از احتکارکنندگان برخورد کرده و پس از اثبات احتکار از جانب ایشان، چنین دستور فرمودند که کالای احتکار شده را به میان بازار آورند به صورتی که همه بتوانند آن را ببینند ولی حضرت آنها را مجبور نکرد که حتماً به قیمت معینی بفروشند.^(۲۰) در جای دیگر چنین آمده که شخص محتکر برای فروش مجبور می‌شود ولی نباید برایش قیمتی معین کند، مگر وقتی که در فروش نیز طریق اجحاف و ستم را پیشه گیرد که در این صورت بر حداقل از قیمت نیز مجبور می‌شود.^(۳۰) در مورد واکنش کیفری نسبت به محتکر دارو و دیگر کالای مورد نیاز نیز باید گفت که فقهای امامیه در مورد نحوه مجازات بدنی محتکر، بحث خاصی ندارند، ولی تردیدی نیست که به نظر آنان، حاکم شرعی می‌تواند در مورد تمام معاصی به خصوص معصیت کبیره، متخلف را تعزیر نماید.^(۲۳) حضرت علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر نیز فرمودند: «هرگاه کسی پس از نهی تو مرتکب احتکار شود او را کیفر کن و مجازات نما، مجازاتی به دور از اسراف و تندروی.»^(۲۸) بنابراین، اجرای تعزیر مالی بر محتکر در صورتی که حاکم صلاح بداند، اشکال ندارد.^(۴۱،۴۲)

به لحاظ قوانین و مقررات نیز باید گفت که برای مجازات محتکران دارو می‌توان بر طبق: «قانون تشدید مجازات محتکران و گرافروشان مصوب ۱۳۶۷/۰۱/۲۳»؛ «قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام»؛ «قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۰۹/۱۹/۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات سال ۱۳۸۴»؛ و نیز «قانون نظام صنفی کشور با آخرین اصلاحات سال ۱۳۹۲» عمل نمود.

برای نمونه، مطابق ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور با آخرین اصلاحات مصوب ۱۳۹۲/۰۶/۱۲ مجلس شورای اسلامی جریمه احتکار، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

مرتبه اول-الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل هفتاد درصد (۷۰٪) قیمت روز کالاهای احتکار شده؛

مرتبه دوم-الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل سه برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیلی محل کسب به مدت یک ماه؛

مرتبه سوم-الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل هفت برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیلی محل کسب به مدت سه ماه.

نتیجه‌گیری: تحقیق در منابع قرآنی و روایی نشان می‌دهد که ملاک در منع شرعی احتکار، نیازمندی افراد به مال انبار شده، بوده و معنای عام «طعام» که در برخی روایات آمده است، انبارسازی و عدم عرضه داروهای مورد نیاز را نیز در برمی‌گیرد.

12. Jafari Langroudi MJ. General Law Encyclopedia. 1st Volume. Tehran: Ganj Danesh Library; 2009. [Persian]
13. Hor Ameli M. Shi'a methods (Wasael al-Shi'a). 17th Volume. Qom: Institute of Aal Al-Biyt; 1988. [Arabic]
14. Najafi MH. Jewellery Remarks (Javaher al-Kalam). 22nd Volume. Beirut: Dar Ehya Al-Torath Al-Arabei; 1983. [Arabic]
15. Sheikh Sadugh M. persuasive (Al-Moghnea). Qom: Institute of Imam Hadi; 1994. [Arabic]
16. Ibn Idriss Helli M. Book of Secrets Containing Fatwas (Al-Sara'r al-Hawi Le al-Fatawi). 2nd Volume. 2nd Edition. Qom: Islamic Publishers; 1989. [Arabic]
17. Naraghi A. The documentary of Shi'a (Mostanad Al-Shi'a). 14th Volume. Qom: Institute of Aal Al-Biyt; 1994. [Arabic]
18. Mousavi Golpayegani MR. guiding the servants (Hedayat al-Ibad). 1st Volume. Qom: Institute of the Holy Qur'an; 1992. [Arabic]
19. Isfahani AH. Rescue tool (Vasilat al-Najah). Qom: Printing office of Mehr; 2014. [Arabic]
20. Montazeri Najafabadi HA. Studies in the mandate of the jurisprudent (dirasaton Fi Vilayah Al-Faghih). 2nd Volume. 2nd Edition. Qom: Thesis Publishing; 1988. [Arabic]
21. Azari Qomi A. Hoarding and Expensive Qom: Dar Al-Elm; 1994. [Persian]
22. Mohaghegh Damad M. analysis of hoarding from the perspective of Islamic jurisprudence, Qom: New ideas in Islamic sciences; 1983. [Persian]
23. Yousefian N. Economic Decrees. 1st Volume. Tehran: The Islamic Revolutionary Guard Corps; 2006. [Persian]
24. Tabatabaei MH. Scale In the commentary of the Qur'an (Al-Mizan Fi Tafsir Al-Qoran). 9th Volume. Qom: Islamic Publishers; 1995. [Arabic]
25. Ravandi QS. The deep understanding of the Qur'an (Fiqh Al-Qur'an). 2nd Volume. Qom: The Library of Ayatollah Marashi Najafi; 1984. [Arabic]
26. Mighdad Sivari F. The treasure of mysticism for deep understanding of the Qur'an (Kanz al-Irfan Fi Fiqh al-Quran). 2nd Volume. Qom: Mortazavi Publication; 2004. [Arabic]
27. Tabatabaei Boroujerdi H. Comprehensive source for Shia narratives (Jamea Ahadith Al Shi'a). 23rd Volume. Tehran: Green culture; 2008. [Arabic]

افزون بر این، قاعده لاضرر نیز به عنوان دلیل عام، مستند دیگری بر حرمت احتکار داروست و به دلیل حکومت آن بر قاعده تسلیط، مالک دارو موظف به عرضه و توزیع آنهاست و در صورت امتناع، رئیس حکومت اسلامی از جانب او اینکار را انجام می‌دهد. همچنین، طبق قواعد فقه جزایی، محتکر دارو، قابل مجازات تعزیری می‌باشد و میزان آن به تشخیص رئیس حکومت اسلامی است و این نوع پاسخ کیفی به محتکران دارو و سایر کالاهای مورد نیاز مردم، در قوانین موضوعه همچون «قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان»، «قانون تعزیرات حکومتی»، «قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور» و نیز «قانون نظام صنفی کشور» به رسمیت شناخته شده است.

منابع

1. Ibn Athir Jazri M. Eventual in the Whimsical Hadith and Effect (Al-nehayah Fi Gharib Al-Hadith Va Al-Asar). 1st Volume. Qom: Esmaelian; 1963. [Arabic]
2. Ibn manzour M. Arab Language (Lisan Al-Arab). 4th Volume. 3rd Edition. Beirut: Dar al-Fikr; 1993. [Arabic]
3. Al-Azhari M. Refinement The word (Tedzib al-Loghat). 4th Volume. Beirut: Dar Ehya Al-Torath Al-Arabei; 2001. [Arabic]
4. Abu Jib S. Jurisprudential encyclopedia (Al-Qamus al-Feghayi). 2nd Edition. Syria: Dar Al-Fikr; 1987. [Arabic]
5. Montazeri Najafabadi HA. Jurisprudential principles of Islamic government. 2nd Volume. 1st Edition. Qom: Keyhan Institute; 1988. [Persian]
6. Abdullah MS. Hoarding or betraying the community. Qom: Islamic Publishers, 1977. [Persian]
7. Mousavi Khoi SA. Lantern of Inference (Misbah Al-Feghaha). 5th Volume. Qom: Ansarian; 1996. [Arabic]
8. Mousavi Khomeini SR. Selling Section of book (Kitab Al-Beyi) (Llama Imam Al-Khamini). 3rd Volume. 1st Edition. Tehran: The Institute for the Setting up and Publishing of Imam Khomeini's Works; 2000. [Arabic]
9. Sheikh Tusi M. Ultimately in the Jurisprudence And Fatwas (Alnhayyahi Fi Mujarad al-Fiqah and al-Fatawi). 2nd Edition. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Arabi; 1979. [Arabic]
10. Mohaqiq Heli J. useful synopsis (Al-Mukhtasar al-Naafie). 3rd Volume. 6th Edition. Qom: Institute of Religious Works; 1997. [Arabic]
11. Allameh Helli H. The rules of Religious Provisions (Ghavaed Al-Ahkam). 3rd Volume. Qom: Islamic Publishers; 1992. [Arabic]

36. Halabi S. The Enough In jurisprudence (Al-Kafi fi al-Fiqh). Isfahan: Imam Ali public library; 1982. [Arabic]
37. Mohaghegh Damad M. Rules of Law. 1st Volume. Tehran: Islamic Sciences; 12st Edition. 1985. [Persian]
38. Mostafavi MK. One hundred Jurisprudence rules (Miat Ghaedah Fiqhiyah). Qom: Islamic Publishers; 2000. [Arabic]
39. Sobhani Tabrizi J. (Selseleh al-Masael al-Fiqhiyah). 24st Volume. Qom: Imam Sadiq Institute; 2001. [Arabic]
40. Tabataba'i Hakim M, The Righteous Method (Manhaj al-Salehin) (al-Mahshishi Lelhakim). 2st Volume. Beirut: Dar Al-Taarof; 1989. [Arabic]
41. Moosavi Khomeini R. Explaining issues (Tozih Al-Masael). 2st Volume. 8st Edition. Qom: Islamic Publishers; 2003. [Arabic]
42. Makarem Shirazi N. Encyclopedia of comparative jurisprudence (Daerat Al-Maaref E Fiqh Mogharan). Qom: Imam Ali's religious school; 2006. [Persian]
28. Sayed Razi M. method of Expressive speaking (Nahj al-Balaghah), Qom: Nahj al-Balagh Institute; 1993. [Arabic]
29. Sheikh Tusi M. Demanding for Clairvoyance (Al-Istibsar). 3st Volume. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Arabi; 1970. [Arabic]
30. Allameh Helli H. Reminder for jurisprudents (Tazkerah al-Foghahaa). 12st Volume. 1st Edition. Qom: Institute of Aal Al-Biyt; 19۹۳. [Arabic]
31. Mohaghegh Karaki A. Comprehensive source for targets (Jamie al-Maghasid). 4st Volume. Qom: Institute of Aal Al-Biyt; 19۹۳. [Arabic]
32. Shahid sani Z. (Al-Rouzah al-Bahiyah). 3st Volume. Qom: Daavari Bookstore; 1989. [Arabic]
33. Sheikh Mofid M. persuasive (al-Moghnea). Qom: The World Congress of Sheikh Mofid; 1992. [Arabic]
34. Sheikh Tusi M. Expanded description In Shi'a jurisprudence (Al-Mabsut Fi Fiqh al-Imamiyah). 2st Volume. 3st Edition. Tehran: Mortazavi Bookstore; 1967. [Arabic]
35. Allameh Helli H. Shi'a Disagreements (Mokhtalaf al-Shi'a). 5st Volume. 2st Edition. Qom: Islamic Publications; 1992. [Arabic]